

جایگاه پیشه‌ها در شاهنامه فردوسی

♦ دکتر بهناز پیامی اُستادیار دانشگاه پیام نور تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۷/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۸/۱۶

چکیده

بازخوانی شاهنامه فردوسی، با هدف آگاهی از وضعیت اقتصادی جوامع در گذشته‌های دور، شناختی شایسته از تحولات اقتصادی در طول زمان به دست خواهد داد که می‌تواند در برخی مواقع، راهگشای رخدادهای همسان با فاصله زمانی و مکانی باشد.

در همه سرزمینها رویکرد دولتها و مردم به مشاغل از جمله مواردیست که تاثیری مستقیم بر اقتصاد آن جوامع خواهد داشت. اقبال یا عدم توجه به پیشه‌ای خاص نیز پایگاههای اجتماعی متفاوتی را شکل می‌بخشد که بررسی چنین نکاتی صورت آشکارتری از وضعیت اقتصادی جوامع، میزان درآمد و سطح زندگی افراد در ذهن ترسیم خواهد کرد.

در این نوشتار به این پرسشها پاسخ داده خواهد شد که انواع پیشه‌های موجود در شاهنامه کدامند؟ چه معیارهایی در طبقه‌بندی آنها موثرست؟ و با توجه به نظام اقتصادی حاکم بر جوامع در شاهنامه درآمد ناشی از آنها چه میزان از نیاز مالی خانواده‌ها را برطرف خواهد ساخت؟

بدین منظورتا حد امکان، تصویری روشن از چگونگی دسته‌بندی مشاغل بر اساس میزان وابستگی به حکومتها، صاحبان پیشه‌ها، پایگاه اجتماعی و نیز میزان درآمد حاصل از آنها با هدف آشنایی بیشتر با فضای اقتصادی و اجتماعی شاهنامه ارائه گردیده است.

کلمات کلیدی:

فردوسی، شاهنامه، جامعه، اقتصاد، پیشه

◀ مقدمه :

با توجه به ساختار شاهنامه که از قدیمترین روزگار حیات بشر تا دوره تاریخی را در بر میگیرد شروع هر پیشه با شگفتیهای ویژه خود همراه است. شکل‌گیری پیشه‌های مختلف هم ناشی از نیازهای گوناگون نیست که در زندگی بشر وجود دارد و تلاش انسان در این اثر برای ایجاد مشاغل تازه نیز نشانیست از پیشرفت در زندگی اجتماعی. زندگی بشر در شاهنامه، تصویر روشنیست از سیر تکاملی حیات اقتصادی جوامع انسانی که تحت تأثیر نظام سیاسی خود با نظم بیشتری در حرکت است. بررسی پیشه‌های موجود در جامعه وضعیت درآمد و تفاوت‌های شغلی، میزان صعود یا نزول اندیشه‌های اشتغالی را در این کتاب، در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

در این نوشتار برآنیم پیشه‌های موجود در شاهنامه با هدف آگاهی از وضعیت اقتصادی جامعه و سطح درآمد صاحبان آنها از چهار منظر مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور تا حد امکان تصویری آشکار از چگونگی طبقه‌بندی مشاغل بر اساس میزان وابستگی به حکومت، صاحبان پیشه‌ها، پایگاه اجتماعی و نیز میزان درآمد حاصل از آنها ارائه گردیده که با توجه به تنوع و گستردگی دامنه مشاغل در این کتاب و برای روشن‌گری بیشتر در این زمینه هر یک از دسته‌بندی‌های فوق، زیرمجموعه‌هایی را نیز در بر خواهند داشت.

روند تکاملی پیشه‌ها در اندیشه بشر در شاهنامه :

با توجه به ساختار شاهنامه که از قدیم‌ترین روزگار حیات بشر تا دوره تاریخی را شامل می‌شود شروع هر پیشه با شگفتیهای ویژه خود همراه است. بر اساس این کتاب بشر در دوره آغاز زندگی حالتی آشفته و ناآگاه دارد و از هرگونه علم و صنعتی بی‌بهره است؛ نه خوراک می‌شناسد و نه پوشاک. سر درگم است و در هر کاری از پادشاه زمان پیروی میکند و در حقیقت این «شاه» است که به جهت نیروی فوق بشری خود که قدرت کاریسمایی یا فرآیزدیت راه و چاره هر چیز و هر کار را میداند و بدیگران درست و نادرست را میشناساند. ارتباط نزدیک شاه با آسمان در این دوره - آغاز حیات - بیش از سایر دوره‌هاست و در واقع اینگونه بنظر میرسد که هرکاری در زمین منشأی آسمانی دارد و فرمان انجام آن از بالا صادر میگردد و شاه، منبع دریافت این دستورات و ابلاغ آن به سایرینست. بنابراین نباید انتظاری جز این داشت که آموزش ساخت ابزار، تولید پوشاک، تهیه غذا، کشاورزی، دامپروری و صنایع - اگرچه در سطحی ابتدایی - بوسیله شاهان صورت بگیرد و در حقیقت این ذهن آگاه و فکر روشن ایشانست که راهنمای بشر ابتدایی است. عبارت دیگر در این عهد، شاهان نه تنها فرمانروای جهان، بلکه راهبر آدمیان به مدنیت و موجد

لوازم آن از قبیل طبقات اجتماعی، ملبس، مسکن، آتش، اسلحه و خط نیز هستند.^۱ از جمله کارهایی که شروع آنها به پادشاهان اسطوره‌ای منسوبست استخراج آهن و طراحی لباس است که به هوشنگ باز میگردد^۲ بر اساس منابع موجود اوست که آهن را از سنگ استخراج نموده... و از پوست و چرم جانوران پوشاک میسازد.^۳ در شاهنامه نیز به این اقدام هوشنگ اشاره میشود.^۴ آغاز عصر کشاورزی هم به دوره این پادشاه باز میگردد؛ بطوری که او کشاورزی را بعنوان یکی از قدیمیترین پیشه‌ها به بشر می آموزد.^۵ طهمورث را نیز آغازگر هنر نویسندگی و خط میدانند^۶ و معتقدند هنر نویسندگی و آشکار کردن هفت گونه خط را که اهریمن پنهان کرده بود منسوب به اوست.^۷ علاوه بر خط و نویسندگی چیدن پشم و بافتن آن و جامه درست کردن از آن و پرورش اسب و استر و خر و بکار گرفتن سگ برای محافظت چارپایان از درندگان و پرورش پرندگان شکاری برای صید هم به وی نسبت داده میشود.^۸ بنابراین میتوان او را بنوعی آغازگر دامپروری در جهان دانست؛ چرا که بشر را با چگونگی نگهداری و ازدیاد نسل حیوانات و شیوه رام کردن آنها آشنا میسازد.^۹

- ۱ - حماسه سرایی در ایران، ذبیح الله صفا، ص ۲۰۷۹
- ۲ - تاریخ اساطیری ایران، ژاله آموزگار، ص ۵۱ و نیز رک: تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیا)، حمزه اصفهانی، ص فصل ۴، ص ۳۰ و نفائس الفنون و عرایس العیون؛ شمس‌الدین محمد بن محمود، آملی، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳ و تاریخ ثعالی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)؛ ابومنصور عبدالملک بن محمد اسماعیل ثعالی نیشابوری، ص ۸
- ۳ - یشتها (ادبیات مزدیسنا)؛ گزارش ابراهیم پورداود، ص ۱۷۸ و نیز رک: نفائس الفنون و عرایس العیون، ص ۸
- ۴ - رک: شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، بر اساس چاپ مسکو، ج ۱/۳۳-۷/۸-۱/۳۴/۲۴
- ۵ - رک: شا، ج ۱/۳۴-۲۶-۲۷
- ۶ - درباره ویژگیهای این پادشاه اساطیری به منابع ذیل مراجعه کنید
- تاریخ اساطیری ایران، ص ۵۲ و نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، ج ۲، ده (پیشگفتار) و تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیا)، فصل ۴، ص ۳۰ و نفائس الفنون و عرایس العیون، ج ۲، ص ۲۰ و تاریخ ثعالی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)، ص ۱۰-۱۲ و تاریخ گردیزی (زین الاخبار)؛ ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، ص ۳۱ و مینوی خرد، ص ۴۵.
- ۷ - ایران در زمان ساسانیان؛ آرتور کریستین سن، ج ۲، ده-یازده، نیز رک: شا/۱/۳۷-۳۸-۴۴
- ۸ - همان، همو، ج ۲، ده-یازده
- ۹ - رک: شا، ج ۱/۳۶-۳۷-۱۰-۱۷

روزگار جمشید نیز دوران پرباری در زمینهٔ ایجاد مشاغل گوناگون است^۱ و دانش بشری در دورهٔ این پادشاه رو به پیشرفت مینهد و در واقع این آگاهی و بیش دانی اوست که بشر را از پیشه‌ها و کارهای مختلف آگاه میسازد. او کسی است که علم نجوم و پزشکی را ویژهٔ خویش ساخته و شیشه و آجر و نوره و گرمابه میسازد^۲.

از دیگر کارهایی که برای نخستین بار به او نسبت میدهند ضرب سکه با نقش خورشیدست. بر اساس نوروزنامه او نخستین کسی است که زر و سیم از کان بیرون می آورد و دستور میدهد تا زر را چون قرص آفتاب گرد کرده، بر هر دو روی آن نقش آفتاب بزنند با این باور که او پادشاه مردم در زمینست همانگونه که آفتاب در آسمان. نقره رانیز بصورت ماه در می آورند و بر هر دو روی آن نقش ماه میزنند با این باور که او کدخدای مردم در زمینست همانطور که ماه در آسمان^۳. در شاهنامه به پایه‌گذاری دانش پزشکی در دورهٔ این پادشاه اشاره شده ولی از ضرب سکه سخنی بمیان نیامده است:

...پزشکی و درمان هر دردمند در تندرستی و راه گزند
همان رازها کرد نیز آشکار جهان را نیامد چنو خواستار
(۴۴-۴۳/۴۱/۱)

فردوسی چگونگی بخدمت گرفتن دیوان از سوی این پادشاه و ساخت نخستین مکانهای بهداشتی را بخوبی بتصویر میکشد سایر پیشه‌ها نیز اگرچه آشکارا از نقش آغازگری شاهان در آنها یاد نشده اما همانطور که پیشتر گفته شد ناآگاهی بشر اولیه و بی‌تجربگی او و ترس از دنیای پیرامون سبب میشد در همهٔ امور به شاهان که آنها را نمایندگان نیروهای برتر میدانست تکیه کند و بدون شک با وجود چنین بینش ابتدایی تمام کارها دارای سرمنشأی شاهانه و آسمانی خواهد بود. لازم بیادآور است بتدریج که بشر تجربه یافت و نسبت به محیط پیرامون خود احساس امنیت نمود

۱ - دربارهٔ این پادشاه و اقدامات او به منابع ذیل مراجعه کنید:

تاریخ ثعالبی، ص ۱۳-۱۷ و آفرینش و تاریخ، مجلد اول تا سوم، ص ۵۰۰ و نوروزنامه، ص ۲۹ و تاریخ گردیزی (زین‌الخبار)، ص ۳۲ و تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیا)، فصل ۴، ص ۳۱ و نفائس الفنون و

عرایس‌العیون، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲ - آفرینش و تاریخ؛ مجلد اول تا سوم، ص ۵۰۰ و تاریخ ثعالبی، ص ۱۴)

۳ - نوروزنامه، عمر خیام، ص ۲۹

۴ - رک: شا، ج ۳۷-۳۴/۴۱/۱

کارهای ساده و پیش پا افتاده را بدست گرفت؛ اگرچه شاید این کارها را نیز آموزش یافته بوسیله شاهان میدانست.

جایگاههای ویژه جهت استقرار صاحبان پیشه‌ها :

با توجه بمیزان اهمیت مشاغل، جاهای ویژه‌ای نیز به آنها اختصاص می‌یابد. البته ذکر نگردیدن نام مکان برای بسیاری از پیشه‌ها دلیل بر کم‌اعتباری آنها نیست تنها از روی نام مکان ویژه برخی از آنها میتوان دریافت که ظاهراً هر یک از این کارها بخشی از مکانی که بازار یا بازارگاه نامیده می‌شده را بخود اختصاص میداده‌اند. قرارگرفتن بازار در درون شهرها و گسترده شدن دامنه آن به اطراف نیز موجب ساخت و شکل‌گیری محلات بسیار، پیرامون آن می‌شده است که بی‌شک، این امر در توسعه شهرها و پیشرفت صنایع مختلف نیز بی‌تأثیر نبوده است.^۱ در دانشنامه جهان اسلام ذیل کلمه بازار چنین آمده است: «بازار در فارسی میانه وازار wazar با ترکیبهایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان)، وازارگانه (بازرگانی)، وازاربد (رئیس بازار...)... و در تعریف بازار در واژگان نوین اقتصادی هم، بازار اصطلاحاً عبارت از منطقه‌ای معین، در دست مجموع افرادی خاص است که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد - به تنهایی یا گروهی - داد و ستد میکنند.^۲ در شاهنامه، برای نخستین بار، در داستان کاوه آهنگر با این مکان که از آن به بازارگاه تعبیر می‌شود روبرو می‌شویم و پی می‌بریم ظاهراً مکانیست که در آن همه کسبه و پیشه‌وران در محله‌هایی نزدیک به یکدیگر مشغول انجام فعالیت‌های اقتصادی خود هستند^۳ بنظر میرسد علاوه بر ایران در سایر سرزمینها نیز پدیده شهری بازار بعنوان مکانی مناسب برای گسترش مشاغل صنعتی و غیرصنعتی وجود داشته است که در واقع، مکانی مناسب برای بررسی امور مختلف تجاری و بهترین عامل در توسعه روابط اقتصادی سرزمینهای دور و نزدیک بوده است. گشتاسپ در روم به بازار آهنگرانی میرسد که تعدادی بعنوان شاگرد در کنار فردی که استاد آهنگرست در مکانی خاص که از آن به دکان یاد میشود مشغول آهنگری هستند.^۴ داراب راهم گازی می‌رورد که روزانه دردکان گازی خود بکار مشغولست^۵

۱ - از شار تا شهر؛ سید محسن حبیبی، ص ۳۳

۲ - ایرج پروشانی، «بازار»، دانشنامه جهان اسلام

۳ - رک: شا ج ۲۲۷/۶۴/۱

۴ - رک: شا، ج ۱۸۱/۱۹/۶-۱۸۵

۵ - رک: شا، ج ۱۰۶/۳۶۰/۶

اما برخی از مشاغل هم با توجه به نیاز مردم نه در بازار، بلکه در کنار خانه‌هایشان شکل می‌گیرد. آسیابانی از آن دست پیشه‌هاست که معمولاً در کنار خانه‌ها جایی برای این پیشه ساخته می‌شود تا دسترسی به آن مکان، برای عموم، راحت و بدون مشکل رفت و آمدهای طولانی به بازار باشد. در داستان بهرام‌گور و دختران آسیابان با چنین مکانی روبرو می‌شویم:

شهنشاه بر روشنی بنگرید بیک سو دهی خرم آمد پدید
یکی آسیا دید در پیش ده نشسته پراگنده مردان مه

(۴۴۹-۴۴۸/۳۳۱/۷)

به نظر می‌رسد با توجه بوجود صاحبان حرفه‌های مختلف، بازار مکان بسیار شلوغی باشد؛ چرا که در نبرد لهراسپ با کهرم، شاهد حضور هزار مرد پیشه‌ور در جنگ بدفاع از لهراسپ هستیم و این نشان روی آوردن شمار زیادی از مردم به مشاغل بازاری و کار در مکانهای ویژه اقتصادی خود است^۱ در پادشاهی شاپور ذوالاکتاف هم با ازدحام عصرگاهی بازاریان بر روی پل روبرو می‌شویم که به هنگام تعطیلی بازار قصد بازگشت به خانه را دارند^۲

انواع پیشه بر اساس وابستگی به حکومت :

در این تقسیم‌بندی میتوان از دو نوع شغل دولتی و غیردولتی یا خصوصی نام برد که هر یک از قوانین و ویژگیهای خاص خود برخوردارند و افرادی نیز در هر یک از این دو نوع شغل مشغول فعالیت و کسب درآمد هستند.

پیشه های دولتی :

اگر مشاغل دولتی را بدسته ای از پیشه‌ها اطلاق کنیم که مرجع قانونی و ناظر بر آن دولت و مأموران مملکت باشد در این گونه کارها معمولاً کارگران و کارفرمایان حقوق و مزد خود را از دولت دریافت میکنند و تسهیلاتی نیز از جانب مراجع ذیصلاح بدست می آورند .

در شاهنامه از آنجا که بسیاری از کارها در ارتباط با دربارست میتوان آنها را دولتی نامید؛ چرا که صاحبان اینگونه پیشه‌ها همیشه در خدمت دربار هستند. مشاغلی مثل آموزگاری، پزشکی، اخترشماری و خوابگزاری، مشاغل سیاسی مثل وزارت و مشاوره در امور مملکتی، مشاغل نظامی و سپاهیگری، دبیری، پرده‌داری، رامشگری، داوری (قضات) و... در این دسته قرار میگیرند.^۳ با

۱ - رک: شا، ج ۵۷/۱۳۹/۶-۵۸

۲ - رک: شا، ج ۸/۲۱۹/۷-۱۱ در اخبار الطوال، اثر ابوحنیفه احمدبن داود دینوری، ص ۵۱، نیز این داستان نقل شده است.

۳- بعلت گستردگی این گونه پیشه‌ها در شاهنامه به برخی از ابیاتی که از آنها یاد شده اشاره می‌گردد:

توجه به ساختار خاص جامعه در شاهنامه - حاکمیت شاه بر همه ارکان مملکت - طیف وسیعی از کارها به نظامیگری و سیاست مربوط میگردد، بنابراین بیشتر پیشه‌ها را می‌توانیم در زمره مشاغل دولتی بشمار آوریم که در سه دوره شاهنامه نیز وجود دارند و بسیاری از افراد بدانها مشغولند.

پیشه های غیردولتی یا خصوصی :

دسته دیگری از پیشه‌ها، کارهائست که صاحبان آن به هیچ طبقه دولتی وابسته نیستند و معمولاً اشخاص بصورت محدود یا گسترده به انجام اینگونه فعالیتهای اقتصادی مشغولند و با توجه به میزان سوددهی، مبلغی را بعنوان مالیات بدولت پرداخت میکنند. دولت نیز موظفست در مقابل، شرایط مساعد کار و امنیت کامل اقتصادی و شغلی را برای صاحبان این گونه حرفه‌ها ایجاد نماید تا سودآوری آنها موجب رشد و توسعه اقتصاد کشور مملکت گردد. در شاهنامه کارهایی مثل بازرگانی، کشاورزی، باغداری و دامپروری را میتوان در زمره پیشه‌های خصوصی قرار داد. به بیان دیگر شاید بتوان به این نتیجه‌گیری دست یافت که بجز مشاغلی که مستقیماً با دربار در ارتباطند مثل وزارت، آموزگاری، کارهای دیوانی و نظامی و کارهایی از این دست، سایر کارها پیشه‌هایی فردی و خصوصیند که تحت نظارت دولت انجام میشوند و گسترش می‌یابند و از حمایت دولت نیز برخوردار میگردند.

انواع پیشه براساس صاحبان آنها :

در دسته‌بندی دیگر، میتوان پیشه‌های موجود در شاهنامه را به سه دسته ویژه زنان، ویژه مردان و مشترک تقسیم نمود:

پیشه های ویژه زنان :

این پیشه‌ها دسته‌ای از فعالیتهای اقتصادی هستند که یا تنها زنان بدانها مشغولند و یا بیشترین علاقمندان به آنها زنان جامعه هستند و مردان کمتر به انجام آنها روی می‌آورند. این گونه کارها

شنا، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳، ب ۲۵۵-۲۵۶ آموزگاری/ج ۱، ص ۴۸، ب ۱۵۷ و ج ۲، ص ۱۰۶، ب ۵۵۳ و ج ۱، ص ۲۳۸، ب ۱۵۰۸-۱۵۰۶ پزشکی/ج ۶، ص ۳۲۴، ب ۳۵ و ج ۱، ص ۵۵، ب ۶۳ ستاره شماری/ج ۱، ص ۵۰، ب ۷۰-۷۴ و همان ج، ص ۵۵، ب ۷۰-۷۲ و همان ج، ص ۱۴۱، ب ۹۷ و ج ۷، ص ۱۱۷-۱۱۸، ب ۹۰-۹۱، خوابگزاری/ج ۲، ص ۸۶، ب ۲۰۶، وزارت ج ۳، ص ۶۷، ب ۱۰۳۴، مشاور سیاسی/ج ۶، ص ۱۲۴، ب ۸۵۴ و ج ۱، ص ۷۶، ب ۴۳۸، سپاهیگری/ج ۸، ص ۱۴۲، ب ۱۴۸۰-۱۴۸۶، دبیری/ج ۱، ص ۲۱۰، ب ۱۱۲۵ و همان ج، ص ۱۱۵، ب ۵۹۸، پرده‌داری/ج ۷، ص ۳۴۰، ب ۶۰۸ و ج ۲، ص ۲۰۹ و ۵۰۵ و ج ۹، ص ۲۲۹، ب ۳۶۷۶، رامشگری و خنیاگری/ج ۸، ص ۱۳۷، ب ۱۴۰۲، داوری.

چندان چشمگیر نیستند و در واقع میتوان آنها را مشاغل پنهان نامید؛ چرا که زنان کمتر مجال ابراز وجود در جامعه را بواسطه این نوع کارها می‌یابند. دوشندگی دامها، خوالیگری، ریسندگی، پرستاری، دایگی، خیاطی، نوازندگی، آوازخوانی، داروسازی، رقص و پایکوبی و شاعری (اگر پیشه محسوب گردند) از جمله کارهاییست که در جامعه معمولاً بر عهده زنان است و اندیشه حاکم بر فضای فکری جامعه انجام آنها را از زنان خواستارست.^۱

پیشه های ویژه مردان:

دسته دیگری از مشاغل که توان جسمی بالاتر و فعالیت بیشتری را میطلبد در این گروه از پیشه‌ها قرار میگیرد. کلیه مشاغل نظامی، دامپروری، کشاورزی و پیشه‌های مرتبط با آنها، امور درباری، دینی و بازرگانی ویژه مردانست. بطور مثال میتوان از مشاغل دیگری نیز که مردان سایر طبقات بدان روی می‌آورند اشاره نمود از جمله: شیشه‌گری، نقاشی و تصویرگری، آبکشی، انبارداری، چاه‌کنی، پرورش زنبور عسل، آسیابانی، رودبانی، گازی، قصابی، نانواپی، آخورسالاری، دروگری، دیوارگری، آهنگری، ساربان‌ی و چوپانی، ملاحی و...^۲

پیشه های مشترک :

۱ - شا، ج ۱، ص ۵۳، ب ۸۰ دوشندگی دام / ج ۱، ص ۴۶، ب ۱۲۷، خوالیگری / ج ۱، ص ۳۶، ب ۸-۹ و همان ج، صص ۳۹-۴۰، ب ۱۱-۱۴، ریسندگی / ج ۷، ص ۱۳۹-۱۴۰، ب ۵۰۲-۵۰۸ و همان ج، ص ۳۸۱، ب ۱۳۴۶ و ج ۱، ص ۵۳، ب ۴۱ و همان ج، ص ۲۱۰، ب ۱۱۲۸، پرستندگی / ج ۱، ص ۲۴۱، ب ۱۵۴۹، دایگی / ج ۲، ص ۱۰۱، ب ۴۶۴ و ج ۹، ص ۲۸۵، ب ۴۹۰، خیاطی / ج ۵، ص ۲۳، ب ۲۵۲ و همان ج، ص ۲۴، ب ۲۸۰ و ج ۶، ص ۱۷۸، ب ۲۱۲ و همان ج، ص ۳۲۴، ب ۳۲ و ج ۵، ص ۳۲۴، ب ۳۲، نوازندگی / ج ۷، ص ۳۴۳، ب ۶۶۴، آوازخوانی / ج ۳، ص ۲۹، ب ۳۹۱، داروسازی / ج ۷، ص ۳۴۳، ب ۶۶۴، پایکوبی / ج ۷، ص ۳۴۳، ب ۶۷۱، چاه‌گویی.

۲ - شا، ج ۹، ص ۲۷۳، ب ۳۱۸، شیشه‌گری / ج ۷، ص ۸۶، ب ۱۴۵۷، دیوارگری / ج ۷، ص ۴۳، ب ۶۷۲، نقاشی و تصویرگری / ج ۷، ص ۳۱۲، ب ۱۴۵، آبکشی / ج ۶، ص ۳۲۹، ب ۱۲۶، چاه‌کنی / ج ۸، ص ۱۰، ب ۷۰، انبارداری / ج ۹، ص ۳۴۴، ب ۴۰۲، پرورش زنبور عسل / ج ۷، ص ۳۳۲، ب ۴۷۲ و ج ۹، ص ۳۵۲، ب ۴۹۰، آسیابانی / ج ۵، ص ۳۴۹، ب ۱۹۴۶، کشتی سازی / ج ۶، ص ۳۵۹، ب ۸۵ و همان ج، ص ۳۶۰، ب ۱۰۷، گازی / ج ۹، ص ۲۵۰، ب ۴۰۲۳، قصابی / ج ۹، ص ۲۵۰، ب ۴۰۲۳، نانواپی / ج ۷، ص ۱۳۲، ب ۱۷۶، آخورسالاری / ج ۱، ص ۲۱۵، ب ۱۲۰۵، دروگری / ج ۵، ص ۲۹۹، ب ۱۰۷۵ و ج ۱، ص ۶۴، ب ۲۲۹ و ج ۶، ص ۱۹، ب ۱۸۳ و ج ۷، ص ۸۶، ب ۱۴۵۷، آهنگری / ج ۷، ص ۱۱۷، ب ۷۵ و ج ۶، ص ۱۸، ب ۱۷۴، ساربان‌ی / ج ۱، ص ۵۳، ب ۳۶ و ج ۷، ص ۱۱۷، ب ۷۵ و ج ۶، ص ۱۸، ب ۱۶۱ و ج ۹، ص ۳۳۴، ب ۲۸۳ و ج ۷، ص ۷۹، ب ۱۳۴۳، چوپانی / ج ۵، ص ۳۳۵، ب ۱۸۴۱، ملاحی

دسته سوم از مشاغل بر اساس شاهنامه کارهائست که معمولاً زنان و مردان هر دو بدان مشغولند و با توجه به شرایط جامعه و میزان نیاز، ممکنست مسئولیت اجرای آنها برعهده هر یک از این دو قشر قرار گیرد.

خوالیگری، نوازندگی، آوازخوانی و حتی گاهی نیز حکومت و پادشاهی در زمره این کارها قرار می‌گیرد که شرایط حاکم بر جامعه درباره مجریان آن تعیین کننده خواهد بود.^۱ در دوره اساطیری در خورشخانه ضحاک ارمایل و گرمایل بکار آشپزی مشغولند ولی ممکن است همزمان و یا در دوره‌های دیگر این کاربرعه زنان باشد. همسر مهبود، وزیر انوشیروان، خوالیگر خاص شاه است. جدای از انجام این کار که در دربار بوسیله مردان صورت می‌گیرد آشپزی، حرفه‌ایست که در هر خانه‌ای نیز برعهده زنانست ولی میتواند شغلی مردانه نیز محسوب گردد. سایر مشاغل مشترک نیز دارای همین ویژگی هستند.

انواع پیشه بر اساس پایگاه اجتماعی :

دریک تقسیم‌بندی دیگر، میتوان با توجه بمیزان اعتبار و ارزش جامعه برای پیشه‌ها آنها را به «دینی، سیاسی»، «درباری- دیوانی»، «نظامی»، «بازاری یا آزاد» و «پست» دسته‌بندی کرد:

مشاغل دینی:

این دسته از پیشه‌ها از ارزش و حساسیت ویژه‌ای برخوردارند صاحبان این نوع کارها از آنجا که الگوی همه طبقات جامعه‌اند و در حقیقت مردم در امور دنیایی و آن سری خود از ایشان پیروی میکنند دارای موقعیت حساسی هستند. در نظام دینی ایران قدیم وظایفی برای این افراد در نظر گرفته شده و ایشان موظف به انجام آن هستند که از آن جمله است دین را خوب نگاه داشتن و پرستش و ستایش ایزدان را خوب و بادقت کردن و فتوی و حکم و آیین و رسم را همچنان که از بهدین پاک مزدیسان آشکار است (درست داشتن) و مردمان را از کار خوب و نیکی آگاهاندن و راه بسوی بهشت و بیم و پرهیز از دوزخ را نشان دادن.^۲ این افراد- موبدان- باید از عیوبی چون

۱- رک: شاه، ج ۱، ص ۴۶، ب ۱۲۷ و ج ۸، ص ۱۴۹، ب ۱۶۰۵-۱۶۰۹، خوالیگری و ج ۵، ص ۲۳، ب ۲۵۲ و ج ۹، ص ۲۲۵، ب ۳۶۰۷، نوازندگی و ج ۷، ص ۳۴۳، ب ۶۶۴ و ج ۹، ص ۲۲۸، ب ۳۶۴۴، آوازخوانی.

اگرچه در شاهنامه پادشاهان بیشتر از میان مردان برگزیده می‌شوند اما برخی از زنان از جمله همای چهارزاد، پوراندخت و آرزمدخت نیز این مقام را برای مدتی در اختیار می‌گیرند به همین جهت می‌توان پادشاهی و حکومتداری را نیز شغلی مشترک دانست برای مطالعه ابیات مربوط به پادشاهی این زنان رک:

و ج ۸، ص ۲۱۹، ب ۲۸۵۶ و پادشاهی زن‌مای ج ۶، ص ۳۵۴، ب ۲ پادشاهی همای چهارزاد و ج ۹، ص ۳۰۵، ب ۲-۱ پادشاهی پوراندخت و ج ۹، ص ۳۰۷، ب ۲-۱ پادشاهی آرزمدخت.

۲- مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، ص ۴۸

بدعت‌گذاری و آزوری و فراموشکاری و غفلت و کوتاه‌اندیشی و بداعتقادی در دین بدور باشند.^۱ ایشان بعنوان مبلغان دین در شاهنامه از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند و از نخستین دوره حیات بشر در این کتاب تا پایان دوره تاریخی حضوری پررنگ دارند. این اهمیت تا آنجاست که در دوره‌های ابتدایی، شاهان به «موبد - شاهی» خود می‌بالند. در کلام جمشید به این موبد - شاهی اشاره می‌شود:

منم گفت با فرّۀ ایزدی هم شهریاری همم موبدی

(۶/۳۹/۱)

در دوره‌های بعد ارتباط نزدیک این افراد و دربار، نشان از اهمیت و ارزش موقعیت این اشخاص و نقش حساس آنها دارد تا جایی که هیچ عزل و نصب و جشن و سوگی بدون حضور این دسته صورت نمی‌گیرد. بر این اساس، مشاغل دینی و پیشه‌های وابسته به آن در میان مردم از اعتبار بسیار بالایی برخوردارست. علت دیگری که موجب افزایش اعتبار مشاغل دینی است نقش اساسی دین و مذهب در زندگی بشر اولیه است. در حقیقت موبدان در باور مردم نمایندگان خدا و رابط آسمان و زمینند از هر کاری با خبرند و نتیجه هر عملی را میدانند و این آگاهی نسبت به امور بر ذهن و روح بشر دوره ابتدایی سایه افکنده است به همین جهت مشاغل دینی در هاله‌ای از تقدس و پاکی قرار می‌گیرد و به دارندگان این گونه کارها با دید تقدس و آسمانی نگریده می‌شود. در واقع انسان در این دوره بیش از دوره‌های دیگر به آسمان چشم می‌دوزد و موبدان و مأموران آئینهای مذهبی را محکمترین و دلگرم‌کننده‌ترین پشتوانه خود میدانند. پس کارهایی که بر عهده این قشر از جامعه نیز قرار دارد ارزشمند و مقدس خواهد بود. بنابراین میتوان پس از مقام شاهی با ارزش‌ترین و معتبرترین پیشه را مشاغل دینی دانست. از جمله کارهایی که در محدوده امور موبدی قرار می‌گیرد هیربدی (= آتشبانی) است که در، حقیقت، نگهبانی از آتش مقدس برافروخته در آتشکده‌هاست. این توجه ویژه بدارندگان مقام موبدی، خاص ایران و منحصر بدوره‌ای خاص نیست بلکه در سایر ملل و دوره‌ها نیز بدلیل وجود اندیشه‌های مذهبی وظیفه روشن نگاه داشتن آتش مقدس از اهمیت بالایی برخوردارست.^۲ تا آنجا که شاهان برای آسایش این گروه، خدمتکارانی را - که معمولاً اسیران جنگی هستند - در مقابلشان برپا میدارند.^۳ بنظر میرسد در سایر ممالک نیز این گروه بصورت

۱- همان، ص ۶۷

۲- رک: شاج ۸۹-۸۴/۱۴۱/۶

۳- رک: شاج ۲۶۳-۲۶۲/۲۶/۹

جمعی دردیها بسر میبرند. در جریان نبرد خسرو پرویز با بهرام چوبینه، چنین نکته ای آشکار میگردد.^۱

مشاغل دربار:

دسته دوم از مشاغل، فعالیتهایی است که به دربار و مسائل سیاسی کشور وابسته است که خود به سه دسته درباری - سیاسی، درباری - دیوانی و درباری - رفاهی تقسیم میگردد.

الف) درباری - سیاسی:

مشاغل درباری - سیاسی شامل وظایفی مثل وزارت و مشاوره در امور حکومت، گنجوری و فرستادگی است که با سیاست داخلی و خارجی سرزمینها مرتبط و از حساسیت بالایی برخوردارست بطوری که در کتب مختلف نیز به چگونگی انتخاب افراد مناسب برای این گونه فعالیتها سفارش شده است. بطور مثال اهمیت شغل وزیران که مشاوران امر حکومتند تا آنجاست که به بررسی پنهانی کارهایشان توصیه میشود زیرا "صلاح و فساد پادشاه و مملکت بدو باز بسته باشد که چون وزیر نیک روش باشد مملکت آبادان بود و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و بابرگ باشند و پادشاه فارغ دل، و چون بد روش باشد در مملکت آن خلل توکد کند که در نتوان یافت و همیشه پادشاه سرگردان و رنجور دل بود و ولایت مضطرب." ^۲ از جمله وظایف وزیر راهنمایی و مشاوره سیاسی شاه است تا در مواقع لزوم، خردمندانه ترین تصمیم را اتخاذ نماید. در همه جنگها، چه داخلی و چه خارجی، این مقام سیاسی میتواند نقش تعیین کننده داشته باشد به همین دلیلست که شغل وزارت در شاهنامه از اهمیت ویژه و جایگاه خاص برخوردارست. همانطور که کاووس معتقدست وزیر هوشیار و آگاه از گنج و ثروت ارزشمندترست ^۳ بزرگمهر هم براین باور است که وزیر ناخوب، موجب تباهی پادشاهی میگردد ^۴ ویژگیهایی که برای صاحب شغل وزارت برشمرده

۱- رک: شاه، ج ۶۸۰/۵۰/۹-۶۸۲

۲- سیاستنامه؛ طوسی، خواجه نظام الملک ابوعلی حسن، ص ۳۱ همچنین درباره ویژگیهای وزیر رک: دستورالوزرا؛ غیاثالدین بن همادالدین (خوندمیر)، ج ۲، ص ۱۵-۱۸ و وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیرکبیر؛ عبدالرفیع (رفیع) حقیقت، ج اول، ص ۲۱-۲۲ و ۲۵ و ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۳۷ و آداب الحرب و الشجاعة؛ محمدبن منصوربن سعید مبارکشاه، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، ص ۱۳۵-۱۳۶

۳- رک: شاه، ج ۲۰۶/۸۶/۲

۴- رک: شاه، ج ۱۳۴/۸/۱۳۵۲

میشود عبارتند از بیداردلی، خردمندی، خداترسی، درست رای، نیکنامی و دانایی که معمولاً این ویژگیها در وجود دستوران شاهنامه وجود دارد.^۱

حفاظت از گنجخانه سلطنتی (گنجوری) نیز بدلیل حساسیتی که دارد درزمره مشاغل درباری- سیاسی میتواند باشد که در هر دوره ممکنست تعریف خاصی داشته باشد اما بطور کلی تعریف عام آن در همه دوره‌ها کلیدداری گنجخانه شاهی است.^۲ گاهی گنجوری شغلی زنانه نیز بشمار می‌آید چراکه در برخی دوره‌ها زنان، گنجور ملکه میشوند. نمونه آنها را در داستان شاپور ذوالاکتاف و اسارتش در روم بدستور قیصر میتوان دید.^۳

با توجه به هدایای بسیاری که معمولاً بخاطر پیروزی در نبردها به آتشکده‌ها فرستاده میشده، گنج خانه‌هایی هم در آن مکانها ایجاد میگرددیده است و تعدادی از گنجوران در اینگونه اماکن بخدمت مشغول میشده اند تا وظیفه نگهداری اموال شاه که شامل زیورآلات، داراییها و هدایا که در مواقعی نیز گله‌های اسب بوده است را عهده دار شوند. در نبرد ایرانیان با اعراب در روزگار یزدگرد ساسانی، رستم فرمانده سپاه ایران در نامه‌ای به برادرش ضمن تشریح اوضاع آوردگاه و خبردادن از شکست زودهنگام لشکر ایران، سفارش میکند بمنظور حفظ اسبها از حمله اعراب آنها را به گنجور آتشکده شاهی بسپارد.^۴ اما در دوره خسرو پرویز این شغل صرفاً خزانه‌داری است بطوری که کلیدداری گنجخانه‌های شاه از مشاغل بسیار مهم بشمار می‌آید.^۵

فرستادگی هم بعنوان یکی دیگر از پیشه‌های درباری - سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. از آنجا که این افراد، نمایندگان سیاسی یک کشور و نشاندهنده خط مشی سیاسی سرزمین خود هستند باید از درایت، هوشیاری، علم و ذکاوت کافی برخوردار باشد. ویژگیهای دیگری نیز برای این افراد ذکر گردیده است از جمله اینکه: باید که مهیب و نیکوروی و نیکوسخن و چرب‌زبان و حاضر جواب و بلند بالا و تمام زینت باشد چنانکه در چشم مردمان درآید و نباید که رسولی حقیر و کوتاه بالا و کوسه و زشت و لنگ و خامل ذکر کرد و فراخ سخن و یاوه‌گوی و بسیار خنده و مزاح و بدمست

۱ - رک: شاه، ج ۱۴۷/۸-۱۵۶۸-۱۵۷۰ و ۹۸/۱۶/۹ و ۳۷/۱-۲۰-۲۳

۲ - رک: شاه، ج ۱۱۶/۱-۶۲۰

۳ - رک: شاه، ج ۲۲۹/۷-۱۸۲-۱۸۵

۴ - رک: شاه، ج ۳۱۶/۹-۶۴-۶۵

۵ - لازم به ذکر است که در چاپ ژول مول وظیفه دیگری بر عهده گنجور نهاده شده و آن اعطای تسهیلات و وام به نیازمندان از گنج شاهی است و حل مسائل و مشکلات اقتصادی شهر. رک: شاه، ص ۲۱۵۴، ب ۲۲۴۱-۲۲۴۲. همچنین در زمان سلطنت همین پادشاه از سلاح‌داری گنجوران در جنگها یاد می‌شود. رک: شاه، ص ۲۰۸۷، ب ۶۶۱..

۶ - رک: شاه، ج ۱۳۷/۹-۲۱۵۲

و عجول و بخیل و نان مخور و بدخو و فحاش باشد یا از بازاری بچگان یا دهقان بچگان یا کسی که در اسلاف او به خصلتی زشت و لقبی تباه و نامی بد منسوب باشد، مردی باید فصیح و باادب و حلیم و آهسته و نان ده و صدقه ده و فراخ دل و باذل و بسیار خرج که چیزی به چشمش در نیاید و تنی چند از معارف ائمه و فضلا هم در صحبت وی مصاحب باشند و از بزرگزادگان باشد...^۱ این افراد ممکنست در کنار وظیفه پیام‌رسانی کارهای دیگری نیز مثل بررسی وضعیت راهها، عقبه‌ها، رودها، همچین، کیفیت آداب دربار امرای سرزمینی که با نشان رسولی به آنجا سفر میکنند را بعهده داشته باشند.^۲ بنابراین دارا بودن ویژگیهای بالا از ضروریات این شغلست. با توجه بوضعیت خاص جوامع در شاهنامه و نیز با علم به ابتدایی بودن زندگیها سفیران از جمله پرکارترین افراد هستند؛ چرا که تقریباً بخش زیادی از عمر خود را در حال سفر بین سرزمینهای دور و نزدیک میگذرانند. بعبارت دیگر باید این گروه از افراد را صاحبان مشاغل سخت نامید. بارها در شاهنامه از این افراد نام برده میشود حتی گاهی موبدان نیز به این کار گماشته میشوند.^۳ برخی از ویژگیهایی که برای فرستاده ذکر گردیده و حساسیت این شغل را در فردی که سلم و تور بسوی فریدون میفرستند میبینیم:

گزیدند پس موبدی تیزویر	سخنگوی و بینادل و یادگیر
زیبگانه پردخته کردند جای	سگالش گرفتند هر گونه رای

سلم:

فرستاده را گفت ره برنورد	نباید که یابد ترا باد و گرد
چو آیی بکاخ فریدون فرود	نخستین ز هر دو پسر ده درود

(۲۲۸-۲۲۷ و ۲۲۵-۲۲۴/۹۳/۱)

ب) درباری - دیوانی :

۱ - آداب الحرب والشجاعه، ص ۱۴۲

۲ - سیاستنامه، ص ۱۲۸

۳ - برای آشنایی بیشتر به چند مورد ذیل اشاره می‌شود:

شا، ج ۲، ص ۱۱۳، ب ۶۸۴-۶۸۷ و ج ۴، ص ۲۶۱-۲۶۲، ب ۸۲۵-۸۲۶ و ج ۶، ص ۵۶، ب ۷۵۷-۷۶۳ و همان ج، ص ۳۸۵، ب ۷۳-۷۰ و ج ۷، ص ۲۴۶، ب ۴۸۱ و همان ج، ص ۴۱۲، ب ۱۸۸۴.

دسته دیگری از مشاغل درباری به اموری مثل نوشتن پیامها، دستورات و قوانین و بخشنامه‌ها اشاره دارد و در برنامه کاری دبیر دربار قرار میگیرد.^۱ اگرچه از این شغل با عنوان درباری - دیوانی یاد میشود و چنین بنظر میرسد که این شخص تمام وقت خود را در دربار مشغول نگارش فرمانهاست اما دارنده چنین پیشه ای باید در همه جنگها همراه با فرماندهان لشکر حضور داشته باشد تا فتح‌نامه‌ها و گزارشهای مربوط به نبرد را بدربار بنویسد و یا در مواقع لزوم پیامهایی بفرماندهان سپاهیان مقابل ارسال دارد.^۲ ناگفته پیداست که این شغل به ذکاوت، درایت و اندیشه‌مندی بسیار نیاز دارد و آنگونه که در چهار مقاله نیز آمده است باید کریم‌الاصل، شریف‌العرض، دقیق‌النظر، عمیق‌الفکر و ثاقب‌الرأی باشد و از ادب و ثمرات آن قسم اکبر و حظاً او فر نصیب او رسیده باشد و از قیاسات منطقی بعید و بیگانه نباشد و مراتب ابناء زمانه شناسد و مقادیر اهل روزگار داند و به حطام دنیاوی و مزخرفات آن مشغول نباشد و به تحسین و تقبیح اصحاب اغراض و ارباب اغماض التفات نکند و غره نشود و عرض مخدوم را در مقامات ترسل از مواضع نازل و مراسم خامل محفوظ دارد...^۳

فردوسی هم در شاهنامه از زبان شاهان و بزرگان چنین ویژگیهایی برای دبیر برشمرده شده است^۴ از نظر بزرگمهر این پیشه بسیار بااهمیت و ارزشمندست چراکه:

دبیری رساند جوان را بتخت	کند ناسزا را سزاوار بخت
دبیریست از پیشه‌ها ارجمند	کزو مرد افکنده گردد بلند
چو با آلت و رای باشد دبیر	نشیند بر پادشا ناگزیر
تن خویش آژیر دارد ز رنج	بیابد بی‌اندازه از شاه گنج
بلاغت چو با خط گردد آیدش	براندیشه معنی بیفزایدش
زلفظ آن گزیند که کوتاهتر	بخط آن نماید که دلخواهتر

(۱۴۸۳-۱۴۷۸/۱۴۲/۸)

۱ - در زمینه شغل دبیری رک: قابوسنامه؛ امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن قابوس بن وشمگیر بن زیار، باب سی و نهم، ص ۲۰۷-۲۱۵.

۲ - رک: شاه، ج ۱/۱۷۷/۱ و ۳/۶۴۰/۴۵/۳ (۶۶۹)

۳ - چهارمقاله؛ نظامی عروضی، ص ۲۰

۴ - رک: شاه، ج ۱/۲۴۶/۷-۴۸۳ (۴۸۳)

از دیدگاه وی دبیر باید خردمند، بردبار، هوشیار، خوش فهم، پارسا، شکیبا، دانشمند، راستگو، وفادار، پاکیزه، خوشرو و بدور از صفت بدگویی باشد.^۱ علاوه بر نگارش فرمانها و نامه‌ها یکی دیگر از وظایف دبیران دریافت مالیات و سرشماری اموال مردم بنفع دولتست زیرا این کار نیز در زمره مشاغل درباری - دیوانی محسوب میگردد. بهرام گور پس از آگاهی عدم پرداخت مالیات از سوی از فرشیدورد علیرغم ثروت بی شمار دبیری کارآزموده روانه میکند تا به سرشماری اموالش بپردازد و جزگوهرهای پنهان، تمام دارایی او را به نفع نیازمندان مصادره نماید.^۲ با این وصف کار مأموران باج و خراج یا مالیات را نیز باید در زمره مشاغل درباری - دیوانی آورد و حسابرسی اموال مردم از وظایف ایشانست چراکه در ارتباط مستقیم با خزانه مملکتی هستند. در دوره تاریخی بیشتر با این گونه مشاغل روبرو میشویم.^۳

پ) درباری - رفاهی:

دسته سوم از مشاغل درباری که آنها درباری - رفاهی می نامیم پیشه هایی هستند که معمولاً بوسیله خدمتکاران و فرودستان صورت میگیرند. این افراد اگرچه ممکنست از نظر مکان زندگی نسبت بسایر اقشار جامعه وضعیت بهتری داشته باشند که بدلیل زندگی در کاخهای شاهی طبیعی مینماید با این حال بیشترین تلاش و کمترین آرامش و درآمد را دارند. زنان و مردان در انجام این کارها مشترکند در واقع همه باید تلاش فراوانی بکار بگیرند تا طبقه برتر جامعه - اشراف و خاندان سلطنتی - در آسایش بسر ببرند. ساقیان، جامه داران، رامشگران و خنیاگران، اخترشماران و خوابگزاران،^۴ سالارباران، بازداران، دایگان، چاکران، پرستاران و... در این دسته قرار میگیرند.^۵

۱ - رک: شاه، ج ۱/۴۲/۸-۱۴۸۴-۱۴۸۶

۲ - رک: شاه، ج ۱۰۲۳/۳۶۳/۷

۳ - رک: شاه، ج ۱۰۲۳/۳۶۳/۷ و ۲۵۱۸-۲۵۱۳/۴۴۸/۷ و ۹۹/۵۸/۸

۴ - اگرچه خوابگزاری و اخترپرسی از مشاغل نیست که معمولاً توسط موبدان صورت میگیرد اما میتوان این نوع کارها را در زمره اعمال درباری - رفاهی نیز بحساب آورد؛ چرا که بنوعی شرایط آسایش و آرامش روحی شاه و اطرافیانش را فراهم می سازند

۵ - شاه، ج ۱، ص ۱۵۶، ب ۳۰۸، ساقی/ج ۸، ص ۲۶۱، ب ۳۵۷۴-۳۵۷۵، جامه دار/ج ۲، ص ۲۰۹، ب ۵۰۵ و ج ۷، ص ۳۴۰، ب ۶۰۸ و ج ۹، ص ۲۲۹، ب ۳۶۷۶، رامشگری و خنیاگری/ج ۱، ص ۵۵، ب ۷۰-۷۲ و همان ج، ص ۱۴۱، ب ۹۷ و همان ج، ص ۵۰، ب ۶۳ و ج ۷، ص ۱۱۷، ب ۹۰، خوابگزاری/ج ۱، ص ۵۵، ب ۶۳ و ج ۶، ص ۳۲۴، ب ۳۵، اخترشماری/ج ۱، ص ۱۱۵، ب ۵۹۸ و همان ج، ص ۲۱۰، ب ۱۱۲۵ و ج ۷، ص ۵۱، ب ۸۲۱، سالارباری/ج ۱، ص ۲۴۱، ب ۱۵۴۹، دایگی/ج ۱، ص ۲۳۹، ب ۱۵۲۲ و همان ج، ص ۲۳۹، ب ۱۵۲۲، چاکری/ج ۱، ص ۵۳، ب ۴۱ و همان ج، ص ۲۱۰، ب ۱۱۲۸، پرستندگی/ج ۷، ص ۳۴۰، ب ۶۰۹، بازداری.

نظامی:

نبردهای پی در پی و اندیشه سیاسی حاکم - کشورگشایی و استفاده از نیروی کار انسانی و نیز منابع طبیعی سرزمینهای دیگر - بر جوامع مختلف در شاهنامه، نیازمند نیروهای جوان و کارآمدیست که در سایه فضایی نظامی اهداف حاکمان خود را پیاده کنند. این امر موجب میشود تعداد زیادی از افراد به شغل سپاهیگری و کارهای وابسته به آن روی آورند. این مشاغل از بالاترین سطح، سپهسالاری، تا پایین‌ترین طبقه، سرباز و سپرور و نیزه‌دار و... را شامل میشود که هر یک با توجه بمیزان تلاش و کارآمدی از اعتبار و اهمیت خاص خود برخوردارند از جمله پیشه‌های نظامی که بطور مکرر در شاهنامه بدانها اشاره میشود پاسبانی، دژبانی، سپهداری، دیده‌بانی، سپروری، مرزبانی، رودبانی، ملاحی، پیلبانی، منادیگری، فرستادگی،^۱ اسپداری و... است.^۲

بازاری یا آزاد:

دسته دیگر از پیشه‌ها بر اساس این تقسیم‌بندی، کارهائست که افراد با توجه بموقعیت اجتماعی و طبقه خاص خود از پدران و گذشتگان خویش آموخته‌اند و بدان مشغولند و به کمک آن در پی حفظ پایگاه اجتماعی خویشند و در قبال امنیت و سود حاصل از این کار به دولت حاکم، مالیات میپردازند. اگرچه ظاهراً در شاهنامه بیشتر از مالیاتهایی سخن می‌آید که از کشاورزان و دامپروران دریافت میگردد. این حرفه‌ها در سطوح مختلف از پایین‌ترین کارها مثل موزه فروشی، کفشگری، ماهی‌فروشی، قصابی، نانواپی، آسیابانی، آهنگری، چاه‌کنی، گزاری، نساجی و آبکشی گرفته تا مشاغلی برتر مثل گوهرفروشی و بازرگانی شکل میگیرند. برخی از این پیشه‌ها دارای مکانهای ویژه در شهرها و روستاها هستند و برخی هم ظاهراً مکان خاصی ندارند. بازرگانی از جمله کارهایی است که بدلیل سودآوری و ایجاد درآمد بالا مورد توجه ملتهاست و از اهمیت

۱- این پیشه از یک سو شغلی سیاسی است؛ چرا که با سیاست خارجی یک سرزمین در ارتباط است و از سوی دیگر

در زمره کارهای نظامی عنوان میشود

۲ - به عنوان نمونه به موارد ذیل اشاره میشود:

ش، ج ۲، ص ۱۰۲، ب ۴۸۹ و ج ۹، ص ۲۴۷، ب ۳۹۷۶، پاسبانی / ج ۱، ص ۱۲۷، ب ۷۹۵، دژبانی / ج ۱، ص ۲۰۷، ب ۱۰۸۰ و ج ۸، ص ۱۹۴-۱۹۵، ب ۳۱۱۹-۳۱۲۲، مرزبانی / ج ۲، ص ۲۰۷، ب ۴۶۵، دیده‌بانی / ج ۲، ص ۲۳۰، ب ۷۹۴ و ج ۳، ص ۴۲، ب ۶۱۷ و ج ۴، ص ۱۳۷، ب ۳۴۱، سپروری / ج ۱، ص ۷۶، ب ۴۳۸، رودبانی / ج ۴، ص ۱۶۹، ب ۸۵۵ و ج ۶، ص ۱۱۰، ب ۶۵۹، اسپداری / ج ۸، ص ۸۴، ب ۵۵۰، منادی‌گری / ج ۴، ص ۲۳۷، ب ۴۴۱، پیلبانی / ج ۵، ص ۳۳۵، ب ۱۶۹۲، ملاحی.

زیادی نیز برخوردارست و معمولاً کسانی که به این کار میپردازند از ثروت و سرمایه کافی و فکر اقتصادی بالا برخوردارند و توان حفظ اموال خود را در مسیرهای طولانی بین کشورها در فضای ناامن آن روزگار با پرداخت هزینه سربازان برای حفاظت از کاروانهایشان دارند و در سایه امنیت حاصل از این کار بتجارت ادامه میدهند. از جمله اقداماتی هم که در سرزمینهای مختلف برای حفاظت از تاجران صورت میگیرد گماشتن نگهبانانی برای پاسبانی از جان و اموال ایشانست. البته بازرگانان نیز هنگام ورود بسایر ممالک، سعی در یافتن پشتیبانی بانفوذ- که معمولاً یکی از بزرگان آن دیارست- دارند. در داستان بیژن و منیژه، رستم در پوشش بازرگانان، برای نجات بیژن از چاه، راهی توران میگردد و در بدو ورود با استقبال پیران روبرو میشود که این امر نشان از اعتبار پیشه بازرگانی و اهمیت آن در میان ساکنان سرزمینهای مختلف دارد.^۱ و معمولاً کسی که شخص حامیست، تمام تلاش خود را برای ایجاد امنیت همراهان شخص بازرگان و کالاهای ایشان بکار میگیرد،^۲ همانگونه که اسفندیار هنگام ورود به روئین دژ- برای رهایی خواهرانش- در جستجوی پشتیبان است.^۳ شاپور ذوالاکتاف نیز که برای بدست آوردن اطلاعاتی از روم درکسوت بازرگانی وارد آن سرزمین شده و طبق آیین همه کشورهای پاسخگوی چرایی حضور در روم میشود از حمایت قیصر برخوردار میشود^۴ در دوره تاریخی نیز از اهمیت این کار کاسته نمیگردد، بلکه بخاطر ارتباط بیشتری که بین کشورهای دور و نزدیک ایجاد میشود تلاش در حفظ جان این گروه از جامعه در زمره کارهای اساسی شاهان قرار میگیرد.^۵ بازرگانان هم معمولاً هدایایی ویژه برای شاه یا بزرگ سرزمینی که بدانجا سفر میکنند به همراه می‌برند تا شرایط مناسب اسکان و خرید و فروش کالا را- که گاه بصورت پایاپای صورت میگیرد- برایشان فراهم سازد.^۶ در داستان بازرگانی رستم با هدف آزادی بیژن نیز چنین هدایایی به پیران تقدیم میگردد.^۷ کالاهایی که معمولاً خرید و فروش میشوند شامل مواد خوراکی، پوشاک، انواع عطر و مواد خوشبو کننده، فرش، زیورآلات و گهرهای گرانبها و ابزار و آلات نبرد هستند که مردم هر منطقه با توجه به نیاز خود آنها را

۱- رک: شاه، ج ۵/۶۲/۹۲۰-۹۲۵

۲- رک: شاه، ج ۵/۶۲-۶۳/۹۳۰-۹۳۴

۳- رک: شاه، ج ۶/۱۹۴/۴۸۵-۴۸۶

۴- رک: شاه، ج ۷/۲۲۸/۱۶۳

۵- رک: شاه، ج ۹/۳۳۷/۳۱۸

۶- رک: شاه، ج ۶/۱۹۴/۴۸۷-۴۹۱

۷- رک: شاه، ج ۵/۶۲/۹۲۶-۹۲۸

خریداری میکنند. همانطور که اسفندیار تجارت زیورآلات و عطر و پارچه و... میکند.^۱ شاپور هم تاجر پوست و گوهر و ابزار جنگ است^۲ و رستم برای تجارت با مردمان دژ سفید، بار نمک را برمیگزیند.^۳

مشاغل پست:

اگرچه انتخاب چنین نامی برای برخی پیشه‌ها نازیباست اما برگرفته از دیدگاه مردم در شاهنامه است که با صراحت برخی کارها را بی‌ارزش و پست مینامند و حتی گاهی نیز بعنوان دشنام و بمنظور فحاشی نسبت بسایرین بکار میبرند در صورتی که همین حرفه‌ها وسیله گذران زندگی مردم و کسب درآمد برای ایشان و بنوعی جزو کارهای آزاد یا بازاری هستند. موزه‌فروشی، مزدوری یا پیشکاری، چوپانی، ماهی‌فروشی، گازی از جمله کارهایی هستند که در کنار بسیاری دیگر، ارزش چندانی ندارند و بالطبع صاحبانشان نیز پایگاه اجتماعی مناسب و چشم‌گیری در جامعه ندارند. در داستان نبرد بهرام با فغفور چین آنگاه که خراد - که خود پس از پذیرفتن شکست از ساوه شاه - سردار ایرانی را بدوری از نبرد فرا میخواند او را نه در حد یک سرباز میهن پرست بلکه شایسته ماهیگیری و ماهی‌فروشی میدانند.^۴

بدو گفت بهرام کز شهر تو ز گیتی نیامد جزین بهر تو

۱ - رک: شاه، ج ۶/۱۹۴/۴۹۵-۴۹۶

۲ - رک: شاه، ج ۷/۲۲۸/۱۵۶

۳ - این داستان در چاپ ژول مول از ابیات اصلی شاهنامه محسوب میگردد اما در چاپ مسکو میتوان آنرا در صفحات ۲۶۷-۲۷۰ ملحقات جلد نخست مشاهده کرد.

داستان از این قرار است که نریمان جلا اعلای رستم که برای گشودن دژ سفید از سوی فریدون مأموریت یافته است بدون آنکه موفق به انجام مأموریت خود گردد بدست آنان کشته میشود. سام فرزند او نیز پس از سوگواری بر پدر برای گشودن دژ بدانجا حمله میکند ولی او نیز شکست میخورد. زال پس از بیان این حکایت از رستم - فرزند جوانش - میخواهد دژ را بگشاید و در این راه به حيله متوسل گردد و بازرگان‌وار با کاروانی از نمک به دژ وارد شود چون:

که بار نمک هست آنجا عزیز
چو باشد حصاری گران بردرش
بقیمت از آن به ندارند چیز
بود بی‌نمکشان خور و پرورش
چو بیند بار نمک ناگهان
پذیره شوندت سراسر مهان
(ملحقات) ۷۲-۷۰/۲۶۷/۱

۴ - برای مطالعه نمونه‌های بیشتر رک: شاه، ج ۸، ص ۲۹۷، ب ۱۷۶، موزه فروشی / ج ۷، ص ۱۱۷، ب ۷۷ و ج ۹، ص ۳۴۴، ب ۴۰۳، مزدوری / همان ج، ص ۱۱۷، ب ۷۵ و ج ۱، ص ۵۳، ب ۳۶، چوپانی / ج ۶، ص ۳۵۹، ب ۸۵ و همان ج، ص ۳۶۰، ب ۱۰۷ و ج ۶، ص ۱۸، ب ۱۷۴ و ج ۷، ص ۱۱۷، ب ۷۵ ساریانی

که ماهی فروشند یکسر همه به تموز تا روزگزار دمه
ترا پیشه دامست بر آبگیر نه مردی به گوپال وشمشیر وتیر
(۷۹۳-۷۹۱/۳۶۲/۸)

میزان درآمد بر اساس نوع پیشه :

نوع پیشه، جایگاه اجتماعی و میزان نیاز و تقاضای جامعه بیک کالا از جمله عواملیست که میتواند موجب نوسان در میزان درآمد افراد باشد. عرضه و تقاضا با مشاغلی که جنبه خدماتی دارند بیشتر در ارتباط است و این امر در صنعت بیشتر نمود می‌یابد. برخی از مشاغل در شاهنامه بجهت وابستگی بدولت و دربار درآمدزایی بیشتری دارند و این امر موجب تجمع ثروت در دست طبقه‌ای خاص میگردد.

البته چگونگی ارتباط با دربار و میزان آن نیز در این کار بی‌تأثیر نخواهد بود. افراد رده‌های بالای حکومت در هر شغل از سود و سرمایه بیشتری بهره‌مند خواهند بود و بالطبع مردم طبقات پایین درآمد کمتری را خواهند داشت. اگر بخواهیم میزان درآمد مشاغل را در این کتاب مشخص کنیم بی‌شک باید در درجه نخست بالاترین درآمد را از آن طبقه اشراف و درباری که شامل وزیران و مشاوران و موبدان و سپهسالاران و نظامیان رده بالاست بدانیم و به همین ترتیب با کاهش میزان درآمد طبقات پایین این گروهها را برشماریم. با توجه به نظام اقتصادی حاکم بر جامعه معمولاً درباریان (خاندان شاهی، وزیران، موبدان و سپهسالاران و پهلوانان) بزرگترین زمینداران و دامپرورانند که سود حاصل از کشاورزی و دامداری ایشان موجب تفاوت سطح زندگی آنها با مردم سایر طبقات اجتماعی میشود حتی دهقانانی که زندگیشان در ارتباط با این گروهست از رفاه نسبی برخوردارند و از خدمات زیردستان بهره‌مند هستند.^۱ علاوه بر دهقانان که معمولاً بر گروه زیادی از نیروهای کار انسانی نظارت دارند و بواسطه تلاش آنها بازرگانان نیز در زمره دولتیاران و مالداران جامعه هستند تا جایی که در مواقع ضروری حکومت را در زمینه پرداخت هزینه‌های مربوط به جنگهای پیاپی - بصورت وام - یاری میرسانند. در نبرد انوشیروان و رومیان بزرگمهر از سوی شاه دستور می‌یابد افرادی را نزد بازرگانان و دهقانان بفرستد تا مخارج سپاهیان را برای جنگ پردازند با اطمینان به اینکه شاه پس از بازگشت به پایتخت سرمایه ایشان باز خواهد گرداند.^۲ پس از این طبقه، جنگیان - سپاهیان رده‌های پایین - در آغاز و انجام هر نبرد حقوق و یا غنایمی دریافت میدارند که تا حدودی میتواند تأمین کننده نیاز خانواده‌شان باشد.

۱ - رک: شاه، ۶۲۷/۳۴۱/۷

۲ - رک: شاه، ۴۱۶۹/۲۹۷/۸-۴۱۷۲

دارندگان مشاغل بازاری / آزاد که در حقیقت صاحبان صنایعند نیز بدلیل محدودیت سرمایه ابتدایی کار، چندان دارایی و ثروتی ندارند- به جز گروه بازرگان که از ثروت مناسبی برخوردارند - ابتدایی بودن صنعت و رویکرد محدود مردم به این مشاغل از عوامل محدودیت پول در دست این افراد است. پیشه‌هایی چون گازی، مزدوری، ماهی‌فروشی، چوپانی، قصابی، نانوايي و کارهایی از این دست نیز بالطبع پایین‌ترین میزان درآمد را خواهند داشت و بی‌یقین فقر در خانواده‌های صاحبان این گونه پیشه‌ها بیشتر نمایانست. بطورنمونه بخانواده گازی میتوان اشاره کرد که زندگی را در سختی میگذراند و یافتن کودکی همراه با گوهرهای بسیار، بزرگترین شانس زندگی آنهاست. از فحواي کلام گازر میتوان دانست که زندگی آن دو سخت‌تر از آنست که نشان میدهد. وی خطاب به همسرش که به نوزاد، دلگرم شده پیشنهاد میکند حال که ثروتی به چنگ آورده‌اند شهر خود را ترک کرده، بسرزمینی دیگر بروند تا مردمان از فقرشان آگاه نشوند^۱ همچنین همراه با بهرام گور میتوان زندگی مردی پالیزبان را که با سختی و مرارت میگذرد از نزدیک دید^۲

همین طور صاحب پیشه‌ای چون آسیابانی نیز نمی‌تواند درآمد مناسبی داشته باشد فقر در اینگونه مشاغل آشکارا بچشم می‌آید بطوری که خود بفقرشان اعتراف میکنند^۳. بی‌شک صاحبان سایر مشاغلی که در این رده قرار میگیرند وضعیتی مشابه زندگی افرادی که برشمردیم دارند و این نشان از تقسیم ناعادلانه ثروت در جامعه است.

اگرچه بطور طبیعی مشاغل پست، سود و درآمد چندان ندارند و صاحبان اینگونه پیشه‌ها طبیعتاً ثروت چشمگیری نخواهند داشت و زندگی را با سختی خواهد گذراند همان‌طور که سایر مشاغل هم سطح آنها نیز دارای چنین وضعیتی هستند .

۱ - رک: شاه ج ۶/۳۵۸/۶-۶۸

۲ - رک: شاه ج ۷/۳۸۱/۷-۱۳۳۴-۱۳۴۰

۳ - رک: شاه ج ۹/۳۵۳/۹-۵۰۳-۵۰۱

نتیجه :

از آنچه بیان گردید میتوان بنکات ذیل دست یافت :

پیشه های گوناگون منشا شاهی / آسمانی دارند بدین معنی که بدلیل سردرگمی و آشفتگی، بشردوره «ابتدایی- اساطیری»، در همه امور چشم بدست شاه دارد و چون او را واسطه خدا میداند لذا در هرکاری از او تبعیت کرده، یاری میجوید. آموزش ساخت ابزار، تولید پوشاک، ضرب سکه، چگونگی تهیه غذا، کشاورزی، دامپروری، صنایع - اگر چه در سطحی ابتدایی- بوسیله شاهان صورت میگیرد؛ چراکه از نظر مردم، ذهن آگاه و فکر روشن ایشانست که راهنمای بشر ابتداییست.

نکته دیگر دسته بندی پیشه هاست که معمولاً بر اساس میزان وابستگی به حکومتها، به پیشه های دولتی و غیر دولتی، بر طبق صاحبان آنها به پیشه های خاص زنان، مردان و مشاغل مشترک، بر اساس پایگاه اجتماعی به پیشه های دینی، نظامی، آزاد/ بازاری، درباری شامل (درباری- دیوانی، درباری- رفاهی و درباری- سیاسی) و پست تقسیم میشوند.

نکته قابل بررسی دیگر وجود جایگاههای ویژه برای مشاغل مختلف است. اگرچه در این کتاب از مکانهای ویژه تجاری و اقتصادی برای برخی از پیشه ها یاد شده اما میتوان به این نتیجه گیری کلی دست یافت که صاحبان حرف، دارای مکانها یا راسته ها یا بازارگاههایی بوده اند که با توجه به محدودیت جوامع در گذشته های دور میتواند در نظام اقتصادی یک سرزمین، جالب توجه و حائز اهمیت باشد. از یاد نبریم که برخی از مشاغل - از قبیل آسیابانی- نیز با توجه به نیاز مردم و سیستم زندگی ایشان صورتی پراکنده دارند و در جوار مناطق مسکونی شکل میگیرند.

سطح درآمدها نیز با توجه به نوع و جایگاه اجتماعی پیشه، همچنین میزان نیاز و تقاضای جامعه و نیز چگونگی ارتباط با دربار، دارای نوسانست. افراد رده های بالای حکومتی در هر شغل از سود و سرمایه بیشتری برخوردارند و بالطبع اقشار ضعیف و طبقات پایین جامعه درآمد کمتری خواهند داشت. شاید بتوان بیشترین سطح درآمدها را از آن طبقه اشراف و درباری که شامل شاه، وزیران و مشاوران، موبدان و نظامیان ارشد و وابستگان ایشانست دانست و به این ترتیب با کاهش میزان درآمد، طبقات کم درآمد وضعیف جامعه نیز شکل خواهند گرفت.

◀ فهرست منابع :

- ۱ - *آداب الحرب والشجاعه* ، محمد بن منصور بن سعید مبارکشاه فخرمدبّر ، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، اقبال، تهران، ۱۳۴۶.
- ۲ - *آفرینش و تاریخ* ، مطهر بن طاهر مقدسی، ترجمه و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، (ج۲)، آگه، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳ - *از شار تا شهر* ، سید محسن حبیبی ، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۴ - *ایران در زمان ساسانیان* ، آرتور کریستین سن ، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، چاپ اول، نگارستان کتاب، تهران، ۱۳۸۳.
- ۵ - *تاریخ اساطیری ایران* ، ژاله ، آموزگار ، سمت، تهران، ۱۳۸۱.
- ۶ - *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیا)* ، حمزه بن حسن اصفهانی، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶.
- ۷ - *تاریخ ثعالبی (غور اخبار ملوک الفرس و سیرهم)* ، ابومنصور عبدالملک بن محمد اسماعیل ثعالبی نیشابوری، به کوشش محمد فضائلی، نشر نقره، تهران، ۱۳۶۸.
- ۸ - *تاریخ گردیزی (زین الاخبار)* ، گردیزی، ابوسعید عبدالحی، تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ اول، نشر دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.
- ۹ - *چهارمقاله* ، احمد نظامی عروضی سمرقندی ، تصحیح محمد معین، چاپ مکرر، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۰ - *حماسه سرایی در ایران* ، ذبیح‌الله صفا ، چاپ ششم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۱ - *اخبار الطوال* ابوحنیفه احمد بن داود دینوری ، ترجمه صادق نشأت، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- ۱۲ - *دانشنامه جهان اسلام* : زیر نظر مصطفی سلیم، ج ۱، چاپ دوم، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۳ - *دستورالوزرا*، غیاث‌الدین بن همام الدین خواندمیر، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، چاپ دوم، اقبال، ۲۵۳۵.
- ۱۴ - *سیاستنامه* ابوعلی حسن طوسی، به اهتمام هیوبرت دارک، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۳ .
- ۱۵ - *شاهنامه*، ابوالقاسم ، فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، بر اساس چاپ مسکو (۹ جلد در ۴ مجلد)، چاپ ششم، قطره، تهران، ۱۳۸۲

- ۱۶ - شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، تصحیح ژوم مل، با مقدمه محمد امین ریاحی، (دوره ۳ جلدی)، چاپ چهارم، سخن، تهران، ۱۳۷۳ .
- ۱۷ - قابوسنامه کیکاووس عنصرالمعالی، به کوشش غلامحسین یوسفی، چاپ یازدهم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۸ - مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تصحیح ژاله آموزگار، ویرایش سوم، توس، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۹ - نفائس الفنون و عرایس العیون، شمس الدین محمدبن محمود آملی، مقدمه، تصحیح و پاورقی ابوالحسن شعرانی (دوره سه جلدی)، چاپ دوم، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲۰ - نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، احمد تفضلی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۲۱ - نوروزنامه، عمر خیام، تصحیح علی حصوری، چاپ دوم، طهوری، تهران، ۱۳۵۷
- ۲۲ - وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیرکبیر، عبدالرفیع (رفیع) حقیقت، چاپ اول، کوش، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲۳ - یشتها (ادبیات مزدیسنا) : گزارش ابراهیم پورداود، چاپ اول، انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی، ۱۳۴۷